

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



## خدمات متقابل حوزه‌های علمیه و انقلاب اسلامی

تهیه و تدوین: حجت‌الاسلام والمسلمین اصغر اخوی

بهمن ۱۴۰۳

مقدمه

بیش از چهار دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی می‌گذرد. این انقلاب پدیده‌های الهی و مبارک بود و هست که در اواخر قرن بیستم، جهان را به لرزه درآورد و نور امید را در دل مسلمانان و مستضعفان عالم روشن کرد. اکنون پس از گذشت بیش از چهار دهه از عمر گران مایه این شجره طیبه و پر امید، نیکوست به بازخوانی برخی دستاوردهای آن پرداخته شود تا برخی نینگارند که به سادگی به بار نشسته و در حفظ آن کوشا تر باشند.

این انقلاب عظیم، دستاوردهای فراوانی در داخل و خارج از کشور در عرصه‌های مختلف داشته و دارد و سال‌ها طول می‌کشد تا همه آثار و نتایج این پدید الهی آشکار و مورد تحلیل قرار گیرد.

در این گزارش داشته‌های ملت ایران پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف از جمله «سلامت و بهداشت»، «امنیت»، «آموزش عالی»، تحقیقات و فناوری»، «اقتصاد»، «صنعت» و «قانون گذاری» قابلیت بحث و بررسی را دارد ولی متناسب با چهل سالگی تاسیس جامعه الزهرا(س) به فرمان امام خمینی (ره)، رهبر کبیر و حکیم انقلاب اسلامی؛ فقط بخش خدمات متقابل حوزه و انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**بخش اول: دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «روحانیت و حوزه‌های علمیه»**

**دستاوردهای چهل و پنج ساله انقلاب اسلامی در عرصه «روحانیت و حوزه‌های علمیه»**

انقلاب اسلامی ایران در حالی به چهلیمین و پنجمین سالگرد پیروزی خود رسیده که دستاوردها و پیشرفت‌های آن در عرصه داخلی و بین‌المللی نمایان است. امروز انقلاب اسلامی ایران علیرغم همه‌جانبه استکبار جهانی و تحریم‌های ناجوانمردانه، در اعماق قلوب مردم آزادی‌خواه جهان جای گرفته و هرروز بر پیشرفت و عظمت آن افزوده می‌شود بنابراین پیشرفت ایران اسلامی در طول این چهار دهه بر کسی پوشیده نیست و بیان این دستاوردها نیز در سطح جامعه، موجب امیدآفرینی و ایستادگی بیش‌ازپیش مردم در برابر این توطئه‌ها خواهد شد.

ازاین‌رو دستاوردهای انقلاب اسلامی طی چهار دهه گذشته در عرصه‌های مختلف، احصا و جمع‌آوری شده است. در این گزارش دستاوردهای انقلاب اسلامی در طول این چهل و پنج سال در حوزه «روحانیت و حوزه‌های علمیه» ارائه می‌شود که به شرح زیر است:

### **الف: حوزه‌های علمیه، روحانیت و تحولات بنیادین:**

۱ - در ساماندهی و هدایت انقلاب کبیر اسلامی، روحانیت شیعه توانسته بزرگترین حرکت ضد استعماری و ضد استکباری و عدالت خواهانه جهان در قرن اخیر را رهبری کند.

۲ - تمام تحولات اجتماعی مردمی و استقلال خواهانه در دو قرن اخیر با پرچمداری روحانیت و حوزه‌های علمیه بوده است.

۳ - حوزه‌های علمیه مفتخرند که پیوسته پرچمدار وحدت مذاهب اسلامی و منادی همزیستی مسالمت‌آمیز و هم‌پیمانی تمام ادیان برای دفاع از حقوق ملت‌ها در مبارزه با زورگویان جهانی بوده‌اند.

۴ - روحانیت انقلابی شیعه با هدایت حرکت انقلابی مردم و تشکیل نظام مبتنی بر فقه، افق تازه‌ای بر روی جامعه جهانی بشری گشود.

۵ - انقلاب اسلامی پس از قرن‌ها رویکرد فقهی محدود به مسائل شخصی را به فقه جامع مؤثر در همه عرصه‌های زندگی گسترش داد.

۶ - پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عمده‌ترین نهضت‌های آزادی خواهانه جهان توسط پرورش یافته گان حوزه علمیه قم به راه انداخته شد و امروز بزرگترین حرکت‌های انقلابی جهان را روحانیون رهبری می‌کنند.

۷ - با پیروزی انقلاب عظیم اسلامی، ملت با رهبری روحانیت شیعه در ایران، برای اولین بار در تاریخ، ستیز عدالت خواهانه با نظام سرمایه داری را از مدار تفکر سکولاریستی خارج و این مبارزه مقدس هویتی دینی یافت.

۸ - عکس‌العمل خشن و جنایتکارانه سلطه جهانی نسبت به روحانیون انقلابی و کشتار، حبس و تبعید برجسته‌ترین تربیت یافتگان حوزه‌های علمیه همچون آیات و حجج اسلام شهیدان سید محمد بهشتی، محمد صدوقی، سید علی اصغر دستغیب، سید اسدالله مدنی، اشرفی اصفهانی، سید عباس موسوی، سید محمد باقر حکیم، سید محمد باقر صدر، سید عارف الحسینی، مزاری، شیخ باقر النمر، شیخ علی سلمان، شیخ عیسی قاسم، شیخ راغب حر، شیخ زکراکی، شیخ البطوطی و ... بیانگر تأثیر عمیق کارآمدی و توانایی حوزه‌های علمیه در مقابله با زورگویان بین‌المللی و زمینه‌سازی برای نابودی سلطه ظالمانه جهانی است.

۹ - تشکیل نظام اسلامی مبتنی بر فقه شیعه و دوام چهل ساله این نظام با حفظ تمامی اصالت‌ها، اصول و ارزش‌های اساسی آن، علیرغم توطئه‌های بی‌پایان و همه‌جانبه دشمنان فراوان غربی، شرقی و منطقه‌ای، ظرفیت عظیم فقه برای تمدن‌سازی را فعال و برهمگان آشکار کرد.

۱۰ - پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پویایی و ورود فعال فقه به مسائل مبتلابه و تمامی عرصه‌های مورد نیاز جوامع بشری، صدور فتاوا و ارائه نظریه‌های مستقل و متفاوت در چالش علمی و عملی با جهان غرب، بر سرعت پیشرفت علم در جهان افزود.

۱۱ - انقلاب اسلامی از طریق گفتمان‌سازی و نهادسازی‌های لازم، حوزویان را در رشته‌های تخصصی علوم انسانی فعال و بستر نظریه‌پردازی و تحول بنیادین در علوم انسانی را فراهم کرد.

## **ب : روحانیت و نقش آفرینی در جامعه و حکومت:**

۱ - پیش از انقلاب مراجع تقلید و علمای برجسته قم و نجف هیچ نقشی در سیاست‌گذاری، هدایت و اداره کشور نداشتند و نه تنها به آن بزرگواران اجازه اظهار نظر در این زمینه‌ها داده نمی‌شد بلکه کسانی که برای دفاع از استقلال کشور و عزت ایرانیان مواضعی اتخاذ کردند با حبس، تبعید، شکنجه و حتی قتل مواجه می‌شدند. امام خمینی (ره)، آیت الله شهید سعیدی، آیت الله شهید غفاری، مرحوم آیت الله طالقانی از جمله مصادیق این برخوردها هستند.

۲ - به برکت انقلاب اسلامی، امروزه مراجع تقلید و علمای برجسته دینی مهمترین گروه مرجع اجتماعی هستند و نافذترین تأثیرات را هم بر رفتار مردم و هم بر تصمیمات بسیاری از مسئولان کشور دارند و انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از این ظرفیت عظیم برای تعالی کشور را جایگزین برخورد حذفی و منوزی‌کننده روحانیت در رژیم گذشته کرده است.

۳ - انقلاب اسلامی، روحانیت و حوزه‌های علمیه را که با توطئه‌های برنامه‌ریزی شده بین‌المللی و به ویژه رژیم گذشته به انزوا کشیده شده بودند، در کانون توجهات و تحولات عمده جهانی قرار داد.

۴ - یکی از نشانه‌های استمرار اعتماد مردم به روحانیت در سالهای پس از انقلاب، رأی مستقیم و بالای جامعه در انتخابات، به یک شخص با لباس روحانیت است.

۵ - با وجود اینکه عناصر انگشت شماری از روحانیت از زی‌طلبگی فاصله گرفته و با تمرکز رسانه‌های دشمن، دستاویز جوسازی‌های گسترده برای تخریب کل جامعه روحانیت قرار گرفته‌اند، به حمدالله اکثریت قاطع روحانیون، کماکان با حفظ ساده‌زیستی و زندگی میان مردم، جامعه‌الگوی اسلامی را تشکیل می‌دهند.

۶ - زُهد و ساده‌زیستی بی‌نظیر و پاکدستی مثال‌زدنی امامین انقلاب اسلامی که اعتراف دشمنان را نیز به دنبال داشته است، در بین رهبران دنیا بی‌سابقه است و سند افتخار روحانیت شیعی در حفظ اصالت‌ها و دوری از دنیا طلبی است.

- ۷ - پیشگامی در بیدارگری مردم نسبت به ظلم و ستم شاهی، ناکارآمدی، وطن‌فروشی و وابستگی رژیم گذشته به بیگانگان توسط روحانیون و تحمل زندان‌ها، شکنجه‌ها، تبعیدها و ایستادگی تا مرز شهادت برای تحقق مطالبات آزادی خواهانه ملت ایران، شهادی بر نقش محوری این قشر انقلابی در شکل‌گیری و هدایت نهضت اسلامی است.
- ۸ - نسبت شهدای روحانیت به کل جامعه روحانی، بالاترین نسبت شهید در میان اقشار کشور است و روحانیت با تقدیم ۴۳۰۰ شهید نشان دادند که به آنچه که مردم را به سوی آن دعوت می‌کنند، بیش از همه ملتزم و عاملند.
- ۹ - حضور گسترده روحانیون در جبهه‌های مقاومت و دفاع از حرم و تقدیم ده‌ها شهید روحانی مدافع حرم، استمرار روح ایثارگری در این قشر خداجو در دهه چهارم انقلاب را اثبات می‌کند.
- ۱۰ - حضور روحانیت در بیش از ۵۰ عرصه خدماتی پس از انقلاب، نهاد روحانیت را به نهادی در خدمت مردم، جوانان و دانشگاهیان تبدیل کرده است.

### ج: حوزه‌های علمیه، تبلیغ و نقش آفرینی بین‌المللی

- ۱ - قبل از انقلاب، تبلیغ روحانیون در ایام تبلیغی محرم، صفر و ماه مبارک رمضان به صورت پراکنده، غیر سازمان یافته و محدود انجام می‌شد اما پس از انقلاب، این جریان با نظام یافتگی بهتر حوزه‌ها، حرکتی مستمر، گسترده و فراگیر شده است.
- ۲ - پویایی و روزآمد شدن حوزه‌های علمیه در موضوعات تخصصی و تربیت نیروی تخصصی برای فعالیت در مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، صدا و سیما و فضای مجازی، امامت جمعه، فرق و ادیان، کودکان و نوجوان، هنر، مدیریت فرهنگی و تبلیغ خارج از کشور، آینده امید بخشی را در جهان اسلام نوید می‌دهد.
- ۳ - بعد از انقلاب اسلامی توسط حوزه‌های علمیه در امر تبلیغ، تحولاتی نظیر طرح امین در آموزش و پرورش به منظور تربیت دانش آموزان دین مدار و انقلابی و ایجاد الگویی در مدیریت مدارس کشور در طراز اسلامی و انقلابی ایجاد شده است.
- ۴ - علاوه بر حضور گسترده طلاب و روحانیون در گروه‌های جهادی دانشجویی و دانش‌آموزی، راه‌اندازی گروه‌های جهادی ویژه طلاب و حضور روحانیون در محروم‌ترین مناطق کشور، ارتباط روحانیت با توده‌های محروم جامعه را عمیق‌تر کرده است.
- ۵ - از ابداعات و ابتکارات تبلیغی حوزه‌های علمیه کنونی، تأسیس انجمن‌های تبلیغی شعر، قلم، فیلم نامه نویسی، خطباء، راه‌اندازی ۴ حوزه علمیه کوتاه مدت و ۱۱ حوزه در حال تأسیس تحت عنوان "سفیران هدایت"، اجرای نقشه جامع رشته‌ای و مهارتی، امکان تحصیل طلاب علوم دینی در رشته‌های تخصصی مختلف در سطوح ۳ و ۴ بلند مدت و برگزاری طرح هجرت موقت است.
- ۶ - تأسیس صدها مؤسسه بزرگ تبلیغ دینی در سطح جهان، تحت اشراف علماء و مراجع از برکات انقلاب اسلامی در ترویج اسلام ناب محمدی (ص) است.
- ۷ - از دستاوردهای بی‌نظیر حوزه‌های علمیه پس از انقلاب، جذب و تربیت بیش از ۲۰ هزار نفر طلاب خارجی از کشورهای مختلف جهان است که بسیاری از آنان به رهبران فکری منطقه خود، تبدیل شده‌اند.

- ۸- اعزام صدها مبلغ دینی به سراسر جهان از برکات انقلاب اسلامی در نشر معارف اهل بیت(ع) توسط حوزه‌های علمیه است.
- ۹- استخدام فناوری‌های روز به مثابه بزرگراه هدایت، در جهت تبلیغ دین توسط روحانیت و ایجاد شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی و ماهواره‌ای، سایت‌های اطلاع‌رسانی، گروه‌ها و کانال‌های شبکه‌های اجتماعی، برای روشنگری و پاسخ به شبهات و سؤالات به زبان‌های روز دنیا، امیدواری زیادی برای هدایت جهانی بشر ایجاد کرده است.
- ۱۰- در پرتو ایفای نقش تحول‌آفرین جهانی انقلاب اسلامی، عطش مردم جهان برای آشنایی با معارف بنیادین انقلاب، هزاران ترجمه کتب دینی به زبان‌های روز دنیا را رقم زده است. ترجمه قرآن به ۱۱۰ زبان زنده دنیا و ترجمه کتب مرجع (تراث شیعه)، حدیث، تفسیر، کلام، فلسفه و ... نمونه‌های مثال‌زدنی است.

### **د: هدایت و تربیت علمی اندیشه‌ای طلاب و تعالی شخصیتی آنان**

- ۱) در رژیم گذشته در اکثر شهرستان‌ها، اصلاً حوزه علمیه وجود نداشت، پس از انقلاب با تأسیس بیش از ۱۰۰۰ حوزه علمیه برادران و خواهران در سراسر کشور، دسترسی مشتاقان به تحصیل علوم دینی، تسهیل شده است.
- ۲- تأسیس مراکز مدیریت حوزه‌ها در استان‌ها تحت هدایت مراجع، موجب حفظ سطح کیفی و استانداردهای حوزه‌های تازه تأسیس و فراوان در کشور شده است.
- ۳- سامان دادن به حوزه‌ها و ایجاد ساختارهای مستحکم برای توسعه اصولی حوزه، حفظ کیفیت‌ها و استانداردهای علمی و سنتی آنها از دستاوردهای انقلاب و تضمین‌کننده استمرار مسیر حوزه‌ها بر اساس فقه سنتی پویا در سطح جهان است.
- ۴- انقلاب اسلامی اشتیاق پیوستن جوانان با استعداد و دانشگاهیان به حوزه‌های علمیه را به قدری توسعه داد که منجر به ایجاد سامانه سخت‌گیرانه‌گزینش با آزمون‌های ورودی به حوزه‌های علمیه گردید.
- ۵- افزایش سیزده برابری طلاب و روحانیون شاغل به تحصیل در حوزه‌های علمیه پس از انقلاب، بیانگر اقبال شدید جوانان به تحصیل علوم دینی است.
- ۶- تأسیس و فعالیت حدود ۲۰۰ پژوهشگاه و صدها مرکز پژوهشی توسط حوزه‌های علمیه پس از پیروزی انقلاب که زیربنای مطالعاتی مباحث اسلامی و مسائل دنیای اسلام را به گونه‌ای مستحکم پی‌ریزی کرده است، از میوه‌های شیرین شجره طیبه انقلاب اسلامی است.
- ۷- سیستم جذب و پذیرش حوزه‌های علمیه کنونی بسیار نظام‌مند و با قاعده است و برای طلاب رسمی و دارای کد طلبگی علاوه بر آزمون سراسری، مصاحبه و تحقیق، تطابق سنی و تحصیلی نیز ملاک است و ارائه خدمات مختلف روش‌مند شده است.

۸ - تعداد طلاب در قبل از انقلاب حدود ۱۵ هزار نفر بود در حالی که با رشد ۱۳ برابری، تعداد این طلاب (خواهر و برادر) به بیش از ۳۰۰ هزار نفر در سراسر کشور رسیده است.

۹ - از دستاوردهای چشمگیر حوزه‌های علمیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، پژوهش محوری تحصیل طلاب علوم دینی با رویکرد اجتهادی و تولید علم است. انجام هزاران پژوهش، تحقیق و پایان نامه توسط طلاب، حاصل این هدایت هوشمندانه است.

۱۰ - حضور و درخشش مکرر بسیاری از روحانیون برجسته در همایش‌های بین‌المللی، پذیرش اسلام به عنوان یک مکتب پیشرو و تعالی بخش را برای نخبگان جهان هموار کرده است.

۱۱ - هیچ یک از محیط‌های علمی، فرهنگی، نظامی، دولتی، معنوی و ... نیست که شاهد حضور چشمگیر روحانیت و طلاب علوم دینی برای کار، تلاش و پاسخگویی به نیازهای دینی مخاطبان و جامعه در کشور نباشیم.

۱۲ - با وجود اینکه مراکز تحقیقاتی غرب با هدایت سازمان‌های جاسوسی تبدیل به کارخانه شبهه سازی علیه اسلام شده اند، نهاد حوزه‌های علمیه با پاسخ به ده‌ها هزار شبهه و بی‌جواب نگذاشتن حتی یک شبهه اعتقادی، نشان داد که به خوبی از پس این مبارزه فکری برآمده است.

### **و: روحانیت و جایگاه علمی پس از انقلاب**

۱ - روحانیون با تألیف و انتشار سالانه هزاران کتاب ممتاز، برجسته ترین مؤلفین کشور هستند.

۲ - پیش از انقلاب اسلامی نشریات تخصصی انگشت شماری در حوزه دین منتشر می‌شد، پس از انقلاب، صدها مجله و نشریه به دست روحانیت فکور و انقلابی تولید می‌شود.

۳ - قبل از انقلاب کمتر روحانی برجسته ای در قلمرو نظریه پردازی بروز و ظهور داشت ولی امروزه ده‌ها نفر از فقها و اندیشمندان روحانی در عرصه نظریه پردازی‌های عالمانه فعالند.

۴ - مؤسسات علمی و فرهنگی ایجاد شده یا اداره شده توسط روحانیت قبل از انقلاب محکوم به تعطیلی و فروپاشی بود پس از انقلاب صدها مؤسسه در حال تبلیغ دین اسلام در ایران و جهان هستند. ۵ - رژیم گذشته فقط در اندک موردی آن هم اجباراً و به صورت ناپایدار به حضور روحانیون در دانشگاه‌ها تن داده بود. نظام اسلامی با دعوت و تشویق روحانیون به این حضور، هزاران کرسی تدریس در دانشگاه‌ها را به روحانیون عالم و متعهد سپرده است.

۶- پس از انقلاب موجی از گرایش فارغ التحصیلان دانشگاهی به تحصیل علوم حوزوی ایجاد شده و تاکنون بیش از ده هزار نفر از فارغ التحصیلان دانشگاهی که بسیاری از آن رتبه‌های علمی کارشناسی ارشد و حتی دکترا را طی کرده‌اند، به تحصیلات علوم دینی در حوزه‌های علمیه روی آورده‌اند که نشان از رفعت یافتن و رشد حوزه‌های علمیه در نزد اصحاب سایر علوم است.

۷- بزرگان و علماء بسیاری از حوزه‌های علمیه جهان اسلام معاصر، تربیت شده در حوزه علمیه قم هستند.

### هـ: روحانیت، نبوغ و روزآمدی

۱- در حالی که اندک روحانیونی قبل از انقلاب به زبان‌های خارجی مسلط بودند، امروزه هزاران روحانی به زبان‌های زنده دنیا مسلط هستند و تبلیغ دین و معارف اسلام را به عهده گرفته‌اند.

۲- پیروزی انقلاب اسلامی و درخشش ایران اسلامی در پرتو این پیروزی، جهان را تشنه اسلام ناب محمدی (ص) کرد و نخبگان فراوانی از کشورهای مختلف جهان را برای فرونشاندن این عطش با معرفی اسلام و مواجهه فعال و مبتکرانه در فضای مجازی، نظریه پردازی، تحلیل‌گری و فعالیت تبلیغی در این عرصه مهم به کسوت روحانیت در آمد.

۳- درحالی که رژیم گذشته، سناریوهای متعددی برای تخریب چهره روحانیت نزد نسل نو و جوانان ایران زمین اجرا می‌کرد، پس از انقلاب طلاب و روحانیون با حضور هوشمندانه در عرصه‌های مختلف هنری، ورزشی، رسانه‌ای، فنی، علمی، طب و ... نشان دادند، دین نه تنها افیون جامعه نیست، بلکه محرک اصلی حرکت‌های اجتماعی برای جوامع به سوی کمال است.

۴- تعداد روحانیونی که پس از انقلاب، شایستگی حضور در دروس خارج فقه را یافته‌اند دهها برابر پیش از انقلاب است و پرداختن به دروس خارج متنوع به ویژه موضوعات ناظر به نیازهای روز جامعه از ابتکارات حوزه پس از انقلاب است.

۵- امروزه روحانیون با سفر به کشورهای مختلف و حضور در مجامع علمی، دانشگاهی و تبلیغی از نزدیک با مسائل جوامع بشری به ویژه جوانان آشنا می‌شوند که این موضوع قبل از انقلاب مصداق ناچیزی داشت.

۶- فراوانند روحانیونی که توانسته‌اند با حرکت‌های خلاقانه و مبتکرانه و ایجاد مجموعه‌های کارآفرین یا هدایت و راهنمایی دیگران به این کارها، زمینه‌ساز ایجاد اشتغال جوانان و نیازمندان در عرصه‌های مختلف علمی و پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی، کشاورزی و دامداری، فنی و کارگاهی و منشأ تحولات اجتماعی مهم در محیط پیرامونی خود باشند.

### ی: تاسیس حوزه‌های علمیه خواهران

۱- تأسیس ۴۵۰ حوزه علمیه خواهران در کشور که پیش از انقلاب اسلامی هیچ سابقه‌ای نداشت از برگ‌های زرین کارنامه جمهوری اسلامی ایران در تربیت شیفتگان تحصیل علوم دینی است، به تحصیل ۶۵ هزار طلبه و ۴۳ هزار فارغ التحصیل علوم دینی انجامیده است.

۲- ایجاد نظام آموزشی و تربیتی برای خواهران طلبه دین شناس، متخلق به اخلاق اسلامی و توانمند در تبلیغ در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد در ۱۲ رشته و دکتری با رویکرد تولید علم و نظریه پردازی از اقدامات بنیادین جریان حوزه‌های علمیه و روحانیت پس از انقلاب است.

۳- امکان تحصیل حضوری تمام وقت، نیمه وقت، غیرحضوری و مجازی برای طلاب خواهر و حضور گسترده و تأثیر گذار مبلغین طلبه خواهر در عرصه‌های مختلف، نشان از ارزشمند بودن مقام زن در نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

۴- از ثمرات حوزه‌های علمیه خواهران در تربیت طلاب علوم دینی حضور و نقش آفرینی دینی، فرهنگی و تربیتی آنان در مدارس، مساجد، خانواده‌ها و ... حتی در ارگان‌ها و سازمانهاست که قبل از انقلاب، هیچ سابقه‌ای از آن وجود ندارد.

۵- امروزه نه تنها جمهوری اسلامی میزبان طلاب خواهر خارجی در کشور است بلکه آمار اعزام مبلغه‌های کشور به اقصی نقاط دنیا حاکی از پویایی حوزه‌های علمیه خواهران ایران است که در منطقه و جهان نظیر ندارد.

۶- درحالی که قبل از انقلاب از تولیدات دینی و فرهنگی خواهران اثری یافت نمی شود یا انگشت شمار بوده است، پس از انقلاب، خواهران طلبه دارای تولیدات فراوان و فاخر علمی و پژوهشی در قالب هزاران کتاب، طرح‌های پژوهشی، پایان نامه، نرم افزار و آثار فضای مجازی هستند که از برجسته ترین دلایل تفوق دیدگاه انقلاب اسلامی به زن نسبت به نظام‌های سکولار مدعی حقوق زن است.

## **بخش دوم: خدمات حوزه‌های علمیه به انقلاب اسلامی**

برای ایجاد یک دگرگونی بزرگ تاریخی همچون انقلاب اسلامی ایران، سلسله مسائل تاریخی، فرهنگی و مذهبی از دیرباز دست در دست یکدیگر داده تا به ثمر بنشینند. یکی از این مباحث ایجاد حوزه علمیه و نقش خاص و ویژه آن در این دگرگونی تاریخی قرن حاضر میلادی است که برای کمتر تحلیل گر و صاحب نظری غیرقابل انکار است. برای پی بردن به نقش حوزه علمیه در انقلاب اسلامی ایران باید به سال‌های ابتدایی ایجاد حوزه علمیه بصورت امروزی (استاد و شاگردی) و ایجاد مدارس در شهرهای مختلفی مذهبی تشیع رجوع کنیم.

### **۱- تاسیس حوزه علمیه به شیوه سنتی**

آغاز تاریخ تاسیس حوزه‌های علمیه شیعه به شیوه سنتی به سال ۴۴۷ هجری بازمی گردد که با یورش طغرل بیک سر سلسله سلجوقیان به محلات شیعه نشین بغداد و آتش زدن کتابخانه مهم و گرانقدر شیعه و محلات کرخ، و از آن جمله کتاب‌ها و کرسی درسی شیخ الطائفه، وی ناگزیر به نجف اشرف هجرت نمود و در جوار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) رحل اقامت افکند.



وی آنجا را به صورت پایگاه دانش و دین در آورد و نخستین حوزه و دانشگاه بزرگ شیعه را بنیان نهاد؛ و در طول قرون متمادی هزاران فقیه و مفسر و متکلم و فیلسوف و دیگر نوای علمی جهان تشیع در این آستان تربیت شدند.

## ۲- اولین حوزه علمیه

علمای شیعه تا قبل از هجرت شیخ طوسی به نجف اشرف به علت نداشتن امنیت در شهرهای مختلف حجاز، عراق و ایران پراکنده بودند؛ لکن پس از هجرت وی به نجف و تشکیل حلقه‌های درسی که از آن جمله «امالی» شیخ طوسی است، چون پروانه گرد شمع رو به نجف آورده و آنجا را بصورت مجتمع بزرگ علمی شیعه درآوردند.[۱]

## ۳- رسالت حوزه نجف

با تشکیل حوزه علمیه نجف اشرف، مرکزیت علمی برای اداء دو رسالت عمده بوجود آمد. نخست اینکه حوزه علمیه بصورت کانون پرورش علوم و معارف اسلامی و تربیت علمای بزرگ و متخصصان در علوم اسلامی در آمد. دوم اینکه این مراکز علمی رسالت پاسداری از اسلام و مسئولیت مرزبانی فکری جوامع اسلامی و شیعی را بر عهده گرفت.

### ۳،۱- نظر شیخ طوسی

برای پی بردن به این حقیقت که حوزه‌های علمیه شیعه از همان آغاز بصورت یک سنگر و دژ برای مبارزه شکل گرفت، کافی است به این گفتار شیخ طوسی بنیانگذار حوزه‌های علمیه شیعه دقت کنیم:

«علمای بزرگ ما چه آنان که در قدیم بوده‌اند و چه آنان که متاخر بوده‌اند، همه درباره پیدا کردن دلیل‌های زمان پسند و آن گونه مطالبی که به مقتضای طبیعت زمان و شرائط آن بوده است، نهایت درجه ممکن کوشیده‌اند و پیش ساخته‌اند؛ و در برابر دیگران و مخالفان موضع آگاهانه گرفته‌اند. چون همواره شبهه‌ها و مسائل تازه‌ای القا می‌شده است که آنان می‌بایست دلیل‌ها و پاسخ‌ها و آگاهی‌های جدیدی را جستجو می‌کردند و شیوه نوینی را متناسب با نوآوری مخالفین ابداع می‌نمودند».[۲]

شیخ طوسی با توجه به همه شرائط موجود زمانش همانطور که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «العالم یزمانه لانهجم علیه اللوابس»[۳]؛ کسی که زمان خویش را بشناسد جریان‌های مشتبه بر او شیخون نمی‌زند؛ این دو رسالت بزرگ را از حوزه علمیه کوچکی در نجف آغاز نمود.

### ۳،۲- هدف بنیانگذار حوزه نجف

در چنین شرائطی هدف بنیانگذار حوزه‌های علمیه و دیدگاه او چنین است که باید تمامی تلاش و نهایت توان را بکار گرفت و آنچه را که مقتضای زمان است استقصا نمود (بلغوا النهایت القصوی فی استقصاء ما اقتضت ازمنتهم). این است برنامه کلی و رسالت حوزه علمیه

که بخاطر آن، شیخ طوسی موطن خود (کرخه بغداد) را رها نموده و رنج غربت را در نجف اشرف در جوار وارث علم رسالت، امیرالمؤمنین (علیه السلام) متحمل می‌گردد.

#### ۴- تاسیس حوزه قم

تشکیل حوزه علمیه قم توسط مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری نیز در شرایط مشابه و با اهداف همانندی انجام پذیرفت. زیرا انگیزه هجرت ایشان از اراک به قم بهره‌گیری از موقعیتی بود که این شهر از نظر روایات اهل بیت و سابقه علمی و خدماتی، از آن برخوردار بود.

#### ۴,۱- روایت امام صادق علیه السلام

حسن بن محمد قمی در تاریخ قم از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: «بزودی روزگاری می‌رسد که کوفه از علم تهی می‌گردد و علم چون ماری که در زمین پنهان گردد سر از قم درمی‌آورد؛ و این شهر منبع علم و فضل می‌شود؛ و در شعاع دانش آن مستضعفی بجا نمی‌ماند؛ و زنان پشت حجاب نیز از برکات علمی این شهر بهره‌مند می‌گردند؛ و مردم قم برای دیگران حجت می‌شوند؛ و علوم و معارف از این شهر به شهرهای دیگر منتشر می‌گردد؛ و شعاع آن شرق و غرب را فرا می‌گیرد؛ آنگاه حجت بالغه الهی به همگان می‌رسد و هیچ فردی بی‌بهره از قم نمی‌ماند.» [۴]

#### ۴,۲- هجرت علما به قم

هجرت بسیاری از شخصیت‌های خاندان اهل بیت و یاران ائمه (علیهم السلام)، مانند اشعری‌ها (عبدالله بن سعد اشعری و فرزندانش)، و محمد بن حسن صفار مؤلف کتاب بصائر الدرجات که از اصول شمرده می‌شود، و محمد بن خالد برقی، و زکریا بن ادریس، و زکریا بن آدم، و ابن بابویه، و ابن قولویه مؤلف کتاب کامل الزیاره که از اسناد روایی معتبر شیعه می‌باشد، و علی بن ابراهیم مؤلف کتاب تفسیر معروف، به قم نشان‌گر سابقه علمی و موقعیت خاص روحانی و پایگاه بودن آن می‌باشد. با چنین انگیزه‌ای مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۳۴۰ ه. ق از اراک به قم هجرت نمود تا به آنچه که در روایات به آن نوید داده شده جامه عمل بپوشاند.

۴,۳- تأثیرات تاسیس حوزه جالب این است که هر دو بنیانگذار حوزه علمیه نجف اشرف و قم در شرایطی به این دو حوزه بنیانی استوار بخشیدند که در خطر تهاجم دشمن بودند.

شیخ طوسی گرفتار یورش سلجوقیان و شیخ حائری مورد تهاجم رضاخان قلدر بودند. بی‌شک بنیانی این چنین، در برابر طغیان و تجاوز ساکت نمی‌ماند؛ و در کنار انجام رسالت علمی و پاسداری از مرزهای عقیدتی، اخلاقی و فرهنگی جامعه، شالوده مبارزه‌ای را برای بهره‌برداری در دراز مدت می‌ریخت.

#### ۴,۴- شاگردپوری

تربیت شدگان حوزه مرحوم آیت‌الله حائری هر کدام به نوبه خود در حفظ و توسعه این میراث بزرگ تلاش نمودند. برای ایجاد وحدت و مرکزیت نیرومند در حوزه، مرحوم آیت‌الله بروجردی را به قم دعوت نمودند و حوزه علمیه قم را در برابر رژیم ستم‌شاهی به یک قدرت بزرگ تبدیل کردند. در طرح و اجرای این نقشه، حضرت امام، نقش عمده را داشت و از آن پس خود در مقام یک استاد برجسته به تحکیم پایه‌های علمی و معنوی حوزه پرداخت؛ و با تربیت شاگردان برجسته‌ای که در کنار کسب فقه و عرفان و اخلاق از وجود امام، از دیدگاه‌های ایشان در زمینه مسائل جامعه و کشور و جهان الهام می‌گرفتند. کادرهای شایسته مجهز به علم و تقوی و آگاهی را برای نهضت آینده آماده کرد؛ و در روند انقلاب اسلامی دیدیم که همین عالمان آگاه و متقی حوزه علمیه تحت عنوان اساتید حوزه علمیه قم از نخستین روزهای آغاز نهضت در کنار رهبر انقلاب ایستادند و بصورت یک شبکه ارتباطی قوی پیام‌های رهبر را به سراسر کشور و نیز به خارج رسانیدند.

#### ۴,۵ - شرایط داخلی حوزه

برای بررسی بیشتر نقش حوزه علمیه در روند انقلاب اسلامی باید به این نکته توجه داشت که محیط حوزه‌های علمیه محیط صفا و صمیمیت و اخلاص و معنویت است.

#### ۴,۵,۱ - حضور اقشار مختلف در حوزه

در میان طلاب حوزه، فرزندان اقشار مختلف جامعه دیده می‌شوند: روحانی‌زاده، دهاتی و شهری، فرزند کارگر و تاجرزاده، فاقد تحصیلات جدید و تحصیلکرده نظام جدید، فقیر و غنی، و کم استعداد و با استعداد و نابغه، ولی همه و همه، ارزش‌هایی غیر از علم و تقوی را از دست می‌دهند و در محیطی آکنده از زهد و قناعت در یک رقابت نامرئی به تجهیز علمی و معنوی می‌پردازند.

#### ۴,۵,۲ - فارغ التحصیلان حوزه

بدین ترتیب علمای فارغ التحصیل حوزه با سرمایه عظیم معنوی و با سلسله ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی رسالت‌های حوزه را بر عهده می‌گیرند؛ جمعی همچنان در حوزه می‌مانند، و عده‌ای نیز به نقاط مختلف مهاجرت می‌کنند و طبق دستور قرآن کار تعلیم و تربیت و انداز مردم را آغاز می‌نمایند.

#### ۴,۶ - استقلال حوزه

حوزه علمیه نه تنها در برابر نفوذ دولت، استقلال اقتصادی دارد، از نظر علمی و نوع سیستم نیز فاقد هر نوع رابطه اثر پذیر می‌باشد.

#### ۴,۷ - تفاوت حوزه تشیع و اهل تسنن

استقلال همه جانبه حوزه‌های علمیه شیعه همواره به فقها و علما این امکان را می‌داده است که به‌دور از هر نوع وا همه در زمینه بروز اختلال در کار حوزه به هنگام درگیری با دستگاه حاکم، موضع‌گیری لازم را داشته باشند؛ در صورتی که اتکاء مالی و اداری حوزه‌های علمیه اهل تسنن این امکان را از علما و روحانیون وابسته به این حوزه‌ها، و بطور کلی متکی به دولت‌ها گرفته است.

## ۵- آمادگی حوزه قم برای انقلاب

حوزه علمیه قم با چنین بافت و خصوصیتی آمادگی‌های لازم را برای انجام رسالت خویش در پاسداری از حریم اسلام و حقوق ملت و مصالح کشور بدست آورده بود. سیاست تزویر و فریب، و حمله و گریز محافظه کارانه رژیم شاه در برابر مرجعیت مقتدر و با نفوذی چون آیت‌الله بروجردی، مانع از اجرای صریح و سریع برنامه‌های از پیش تعیین شده توسط عوامل کاخ سفید آمریکا بود.

### ۵،۱- حوزه قم بعد از آیت‌الله بروجردی

در این زمان، امام که مرجعیت دینی و مسئولیت حوزه را بر عهده ایشان می‌دانست به تذکرات خصوصی به مقام مرجعیت و در حد پیام اکتفا می‌نمود. پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، رژیم، به تصور اینکه فقدان ایشان موجب ضعف حوزه علمیه و روحانیت شده و موانع از سر راه خودکامگی شاه برداشته شده است، یورش همه جانبه‌ای را برای پیاده کردن منویات آمریکا آغاز نمود و با استفاده از پوشش اسمی انقلاب و ثبات سیاسی برای هر چه وابسته‌تر کردن کشور به آمریکا، برنامه‌های از پیش تعیین شده‌ای را به اجرا گذارد.

با وجود اینکه در خلا ناشی از فقدان آیت‌الله بروجردی حوزه دچار مسائل و مشکلاتی شده بود، لکن یکه‌تازی رژیم در حقیقت جرقه‌ای بود که کانون آماده اشتعال نهضت را مشتعل نمود و همه قدرت و نفوذ و معنویت حوزه در فریادهای امام متجلی شد و نهضت حوزه به رهبری امام، چون خون در شریان ملت مسلمان به جریان افتاد.

## ۶- پشتیبانی و رسالت حوزه

حوزه با همه موجودیت خود از مراجع تقلید گرفته تا اساتید و طلاب پشت سر رهبری نهضت قرار گرفت و حمایت بی‌دریغ خود را بنابر رسالت خویش، نثار نهضت کرد؛ با توجه به ترکیب حوزه که بطور سنتی از مراجع و اساتید و طلاب تشکیل می‌شد، نقش حوزه را در پشتیبانی از رهبری نهضت و پیشبرد آن می‌توان در چند نکته خلاصه کرد.

### ۶،۱- خنثی سازی نقشه تقابل رژیم

رژیم قصد داشت امام را از پیکر حوزه و مرجعیت جدا کند و با وی در حد یک شخصیت روحانی برخورد نماید؛ زیرا چنین عملی برای رژیم امکان پذیر بود؛ بعلاوه احتیاج به سرمایه گذاری نداشت و می‌توانست با دستیابی به این هدف امام را منزوی سازد.

حوزه علمیه قم با تاکید بر مرجعیت امام و اینکه ایشان جزئی از یک کل بهم پیوسته است و مبارزه با رژیم یک جریان نشات گرفته از رسالت حوزه و مربوط به همه حوزه است، این توطئه را خنثی نمود.

#### ۶,۲ - نقش مراجع رده اول

مراجع و شخصیت‌های برجسته حوزه بودند که با اعلامیه‌هایشان به نوبه خود در پیشبرد اهداف نهضت و تقویت بنیان مبارزه تاثیر چشم‌گیری داشت و در پیوستن نیروهای بیشتر به نهضت مؤثر بود. این اعلامیه‌ها به رژیم و حامیانش می‌فهماند که حمایت حوزه از رهبری نهضت تنها بخاطر مسائل صنفی نیست؛ بلکه وحدت هدف و هماهنگی در انجام رسالت وجود دارد.

#### ۶,۳ - نقش اساتید رده دوم،

اساتید رده دوم حوزه که معمولاً در تصمیم‌گیری‌های حوزه نقشی بر عهده نداشتند وارد صحنه شدند و مهم‌ترین نقش را در سرعت بخشیدن به آهنگ نهضت ایفا نمودند و از موقعیت خود برای راه‌اندازی و تعمیق و گسترش فعالیت‌های رده‌های اول حوزه استفاده کردند. اینان که فعال‌ترین عناصر حوزه را تشکیل می‌دادند و اکثراً از شاگردان و علاقه‌مندان امام بودند، بدور از پاره ملاحظاتی که در فعالیت رده‌های اول حوزه معمولاً دست‌وپاگیر است، از هیچ‌گونه حمایت در طول فراز و نشیب‌های نهضت فروگذار نکردند؛ و چه در مقابله با رژیم و چه در انتقال اهداف و آرمان‌های نهضت به طیف وسیع طلاب، و همچنین در سطح جامعه رسالت خویش را به انجام رسانیدند.

#### ۶,۴ - نقش طلاب

طلاب حوزه علمیه بصورت انفرادی و گروهی از طریق اعمال فشار روی عناصر غیرفعال حوزه و ایجاد شبکه‌های ارتباطی مستقیم با اقشار و گروه‌های مختلف، پیام نهضت و رهبری آن را در سطح جامعه منتشر نمودند و نقش بیشتری را در پیشبرد اهداف نهضت ایفا کردند. آنجا که آسیب‌پذیرتر از مراجع و اساتید حوزه بودند، بیشتر آماج حملات و آزار و شکنجه رژیم سفاک پهلوی قرار گرفتند. بسیاری از آنان توسط مامورین ساواک به زندان افتادند و عده‌ای به سربازخانه‌ها فرستاده شدند و جمعی تبعید و یا مخفی شدند؛ و آنها که موقعیت شخصی نداشتند بیشتر مورد آزار قرار گرفتند.

#### ۶,۴,۱ - یورش به فیضیه

سرکوب مکرر طلاب حوزه همچون جریان فیضیه نتوانست در مقاومت دلیرانه سربازان امام زمان (علیه‌السلام) خللی ایجاد کند و طلاب هر بار با صلابت بیشتر و فریادی رساتر به انجام رسالت خود در زمینه رساندن آرمان‌های انقلاب اسلامی و پیام‌های رهبر انقلاب به مردم و افشای ماهیت ضد مردمی و وابسته رژیم منحوس پهلوی، دست به تلاشی خستگی‌ناپذیر زدند؛ و تا اعماق جغرافیائی کشور پیش تاختند و حماسه‌ها آفریدند.

#### ۶,۴,۲ - نمونه‌ای از نقش طلاب

۱) می‌گویند متن تلگراف مرحوم میرزای بزرگ شیرازی را که در زمینه تحریم تنباکو به تهران مخابره شده بود، دستگاه استبداد ناصر الدین شاه از افکار عمومی پوشیده نگاه داشت، ولی در مدت کوتاه، علیرغم فقدان وسائل ارتباط جمعی در آن زمان، فتوای این مرجع بزرگ تقلید در سراسر کشور منتشر گردید.

۲) این معجزه تاریخ در جریان سخنرانی تاریخی امام در زمینه کاپیتولاسیون، علی‌رغم سازماندهی و بسیج همه نیروها توسط رژیم برای خاموش کردن این فریاد، در مدت چهل و هشت ساعت در سراسر کشور حتی اعماق روستاها توسط طلاب حوزه علمیه به آگاهی ملت ایران رسید؛ و این حادثه رژیم را دچار شوک و سرسام کرد.

## ۷- روحانیت و انقلاب در سخنان رهبری

روحانیت، در بنیاد نهضت سهمی بسزا داشت و در زمان اوج قیام و آغاز انقلاب، نقش آن عینی‌تر و ملموس‌تر شد. با بهره‌گیری از فرمایشات مقام معظم رهبری به نقش روحانیت پس از پیروزی نهضت، خواهیم پرداخت.

در جنبش‌های صدساله‌ی اخیر، تحریف گران‌کوشیده‌اند که نقش روحانیت را در نهضت‌ها، کمرنگ نشان دهند و در مواردی، با سکوت و اغماض و یا تحریف و سوء برداشت، از حضور و عمل سیاسی علما و روحانیت، عبور کنند. این حادثه، در مورد انقلاب اسلامی ایران نیز پیش‌بینی می‌شود. از همان آغاز، رگه‌هایی از آن هویدا بود و شاید در آینده، توسعه و گسترش پیدا کند.

مقام معظم رهبری در بیاناتی در این زمینه چنین فرموده‌اند:

«نقش روحانیون در این انقلاب، چیز غیرقابل انکاری است. هیچ کس هم تاکنون، این نقش را انکار نکرده است. البته، برای انکار کردن، دیر نشده است! دست‌های تحریف، در جا به جای تاریخ ما، از اول تا حالا، دخالت و اعمال نظر و اعمال نفوذ کرده‌اند. در این قضیه هم هیچ بعید نیست که روزی، یک عده آدم‌هایی پیدا بشوند، بنویسند و بگویند که جامعه‌ی علمی اسلامی و روحانیت اسلام، در این انقلاب نقش و تأثیری نداشته‌اند.» [۵]

۷،۱- مصونیت شاهدین عینی

در عهد حضور امت حاضر در عرصه‌ی نهضت و انقلاب، این خطر نامحسوس‌تر است. آنان که در عرصه‌ی انقلاب حضور داشته‌اند و در آن سهم بوده‌اند، در برابر این گونه تحریفات، مصونیت نسبی دارند.

۷،۱،۱- نظر رهبری عزیز :

«امروز که هنوز مردم ما، حدیث‌العهد به انقلاب هستند و قضایای انقلاب، در ذهن‌شان بوده و هست، می‌دانند که علمای اعلام، تأثیر درجه‌ی یک را در پیدایش و گسترش و عمق و بالاخره پیروزی این انقلاب داشتند. اگر آنها نبودند، این انقلاب قطعاً به پیروزی نمی‌رسید.» [۶]

## ۷,۲ - خطر نسل های بعد

خطر آن است که با روی کار آمدن نسل دوم (و نیز نسل های سوم و چهارم انقلاب)، که نه در نهضت پانزدهی خرداد حضور داشته و نه شاهد و راوی انقلاب ۵۷ است، زمینه های تاثیر پذیری این نسل از تحریفات تاریخی در مورد نهضت اسلامی ایران، افزایش یابد و آنان از چند و چون زحمات روحانیت در تکوین نهضت، غفلت ورزند و یا در تحلیل عوامل مولد انقلاب، بیراهه روند. این خطر جدی، ایجاب می کند که تاثیر روحانیت بر انقلاب اسلامی، ثبت و تحلیل شود؛ واقعیت ها گردآوری شوند و بررسی شایسته و قابل ارایه، صورت گیرد.

### ۷,۲,۱ - دیدگاه رهبری:

«این، تاثیرات روحانیت در انقلاب است، که تاثیرات شگرف و عجیب و عمیقی است و درباره ی آن، باید به صورت تحلیلی، کتاب نوشت. متأسفانه، نه ما چنین کتابی نوشتیم و نه دیگری... جوانان روحانی، باید به فکر باشند. نگاه نکنید که حالا امروز در محیط و منطقه و شهر و روستای شما، مردم به نام شما شعار می دهند. در تاریخ باید معلوم باشد که نسبت روحانیت با این انقلاب، چیست.» [۷]

## ۷,۳ - حوزه و دستاوردهای انقلاب

روحانیت، از تجربه ی نهضت های پیشین، درس آموخت و با پیروزی قیام، دستاورد تلاش خود و ملت را رها نکرد و به گوشه ی انزوا و عزلت پناه نبرد. همگام با رویدادهای پس از انقلاب، حرکت کرد و با ارایه ی نقش ها و مسئولیت های گوناگون، تداوم حضورش را عرضه کرد.

### ۷,۳,۱ - کلام رهبری در این زمینه

مقام معظم رهبری فرموده اند:

«روحانیت از اول انقلاب، در حفظ دستاوردهای آن، عنصر بسیار مؤثری بود. این کارخانه ها و این پادگان ها و این مراکز و این جبهه ها را، زبان های گرم روحانیون نگه داشت؛ آنهایی که علاقه داشتند و زبان گرم را با سخنی که از دل گرم برخاسته بود، می گفتند.» [۸]

## ۷,۴ - دسایس دشمن و نقش روحانیت برای مقابله با آن

دسایس دشمنان انقلاب، در این دو دهه بسیار بود. تحرکات گروه های سیاسی، توطئه های براندازی، ترورها، خرابکاری های اقتصادی، جنگ تحمیلی و دهها دسیسه ی دیگر، علیه انقلاب پدید آمد. هر یک به تنهایی، رژیم مقتدری را درهم می ریخت؛ اما انقلاب محکم و استوار باقی ماند. در این بقاء، عوامل مختلف دخیل بودند؛ اما در این میان، از نقش روحانیت، به عنوان مبلغ گویای انقلاب، نمی توان غفلت داشت. زحمات این مجموعه در مراکز نظامی، آموزشی، کارخانجات، جبهه ها، روستاها و... در این دو دهه ی انقلاب، نیازمند بررسی تفصیلی و مستقل است و متأسفانه تحلیل جامع و بایسته یی از این ابعاد حضور و تاثیر، صورت نپذیرفته است.

## ۷,۵ - ابزارهای تبلیغی روحانیت

روحانیت در این دو دهه، چه از طریق تبلیغ سنتی و حضور چهره به چهره در میان مردم، و چه از طریق رسانه‌ها و ابزارهای نوی تبلیغی، توانست بخش عظیمی از تبلیغات مهاجم را دفع کند و از اعتماد مردمی به انقلاب، پاسداری نماید. انقلاب اسلامی، بدون این شبکه‌ی گسترده و ریشه‌دار، هرگز نمی‌توانست امواج عظیم تهاجم تبلیغی - نظامی را دفع کند و از کیان خویش، در برابر دشمنان گوناگون به دفاع برخیزد. از این رو، بی‌تردید نقش روحانیت در تداوم انقلاب، از اصل ایجاد و حدوث، کمرنگ‌تر نمی‌نماید.

۷,۵,۱ - تمجید رهبری

مقام معظم رهبری، در تجلیل و تمجید از این زحمات پیوسته، اظهار داشته‌اند:

«زحمات شما آقایان محترم و علما و فضلا و طلبان و گویندگان در طول این ده سال، با زحمات هیچ قشری قابل مقایسه نیست. در این مدت، تلاش‌ها و صدق و صفا و حضور شما در صحنه‌های گوناگون، دل‌های مشتاق را به تپش درآورد و آنها را آماده‌ی فداکاری کرد. چه قدر دشمنان اسلام در جاهای مختلف، قصد خرابکاری داشتند، ولی حضور یک روحانی، مانع از خرابکاری آنها شد.» (سخنرانی در مراسم بیعت گروه کثیری از ائمه‌ی جمعه و روحانیون استان مازندران و اصفهان و علما و طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران). [۹]

۷,۶ - ماندگاری انقلاب و روحانیت حوزه

علاوه بر نقش دفاعی - تبلیغی در برابر دسایس دشمنان انقلاب، عامل ماندگاری هویت اسلامی انقلاب بود. بدون روحانیون، اسلامیت انقلاب، در همان روزهای نخستین به مخاطره می‌افتاد و در معرض زوال و احتضار قرار می‌گرفت. هوشیاری بی‌نظیر امام راحل - که خود رهبری روحانیت آگاه را بر عهده داشت - و نیز همگامی و همدلی حوزه با ایشان، موجب شد که طوفان‌های اسلام زدایی، کارگر نیفتد و انقلاب اسلامی، در کمند امواج مکاتب، به این سو و آن سو در نغلتد.

۷,۶,۱ - بیان رهبر معظم انقلاب

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به این خطر می‌فرمایند:

«وقتی جمهوری اسلامی تشکیل شد، اگر روحانیون نبودند، چنانچه می‌خواستند بنایی بر اساس دین درست کنند، نمی‌شد. ما کسانی را دیدیم که متدین هم بودند و خواستند از کتاب و سنت استنباط کنند، ولی به کفر افتادند و به وادی ضلالت رفتند؛ چون وارد نبودند و نمی‌دانستند که چه باید بفهمند.» [۱۰]

۷,۷ - حق انقلاب بر حوزه

انقلاب، بر بافت روحانیت آثار چشم‌گیری بر جای گذارد؛ افق دیده حوزه را گشود؛ قالب سنتی آن را متحول ساخت؛ نیازهای نویی را در پیش دید نهاد و آنان را با دنیای جدید، آشنایی داد. حوزه در سده‌ی اخیر، بر اثر انفصال از مدیریت اجتماعی، از کاروان سریع تحولات باز ماند. قبل از این دوره، حوزه اگر پیشاپیش جامعه نبود، لاقلاً همگام با ایشان حرکت می‌کرد؛ نیازها و اندیشه‌های جامعه‌ی خود را



درمی‌یافت؛ با آن هم‌زبانی و هم‌کلامی می‌داشت؛ سخن نسل جوان را چونان سخن نسل معمر و کهنسال می‌فهمید؛ باب مفاهمه و گفت و شنود را می‌گشود؛ درد شناسی می‌کرد و در ره درمان برمی‌آمد.

حوزه، تا قبل از سده‌ی اخیر، با جامعه‌ی سنتی برخورد می‌کرد؛ جامعه‌ی که از سنت خویش ارتزاق می‌کرد و تار و پود تفکر و زبانش، از فرهنگ خودی تغذیه می‌شد. حوزه، در ارتباط با این فرهنگ و سنت، کم و کاستی احساس نمی‌کرد.

۷,۷,۱ - جامعه و حوزه در قرن اخیر با تحولات قرن اخیر، جامعه در مسیری پُر فراز و نشیب قرار گرفت؛ اندیشه‌های نو، فرآورده‌های جدید، نهادها و مؤسسات نوین و... رخ نمود؛ مبادلات و ارتباطات، جامعه را در دگردیسی قرار داد؛ مکاتب جدید و رسانه‌های نوپیدا، اندیشه‌های ناآشنا در جامعه تزریق کردند و تکنیک و صنعت وارداتی، فرآورده‌های نو در جامعه پدید آوردند و نظام زندگی و سیستم مصرفی مردمان این مرز و بوم را تغییر دادند و آموزشکده‌های جدید هم، مواد درسی و نظام اطلاعاتی نسل نو را متغیر کردند و... حوزه، در برابر این موج تحول‌یابی، بیگانه بود. اگر حوزویانی بودند که با این نوگرایی‌ها ربط یافتند، علقه‌ی شخصی و نیاز درونی ایشان بود، و نه برنامه‌ی سازمانی. و چنین شد که حوزه روز به روز از هم‌سخنی با جامعه‌ی جدید، عقب‌تر می‌افتاد و گام به گام، از همگامی با تحولات نو، وا می‌ماند.

#### ۷,۷,۲ - حق بزرگ انقلاب بر حوزه

حق بزرگ انقلاب بر حوزه، آن بود که گامی بلند در راه رفع این خلاء پیمود. درگیر شدن حوزه با محیط‌های مختلف اجتماعی-اداری، حوزه را با نیازها و گام‌های نو آشنا کرد؛ با مواد آموزشی و نظام اطلاعاتی جامعه ارتباط یافت؛ در جریان رخدادهای نو قرار گرفت و با سیستم جدید مرتبط شد. گرچه این رخداد، به بلوغ و تکامل خود نرسیده است؛ اما جوانه‌های مبارک آن، رخ می‌نماید و در این ره آورد، حق امام و انقلاب بر حوزه‌ها، به یاد ماندنی خواهد بود.

۷,۷,۳ - بیان رهبر فرزانه انقلاب رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز این موضوع را ضمن فرمایشاتی چنین بیان فرموده‌اند:

«یک روز بود که برای معلمان، آوردن اسم مسایل سیاسی، مخطور و ممنوع و عیب بود. ورود در میدان سیاست هم، همین طور بود. زمینه‌سازی برای آشنایی با مسایل سیاسی، مثل ارتباط با رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و امثال اینها، همین طور بود. یک نفر روحانی، به نام آیت‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی (رحمة‌الله‌علیه) در مشهد بود که ملای محترم و معتبری بود. ایشان، مجله می‌خواند. وقتی مجله می‌خرید، در جیبش می‌گذاشت، از حرم که به مدرسه‌ی نواب می‌آمد یا به منزل می‌رفت، از زیر عبا دیده می‌شد. ایشان، در بین روحانیون مشهد - آنهایی که می‌دانستند - انگشت‌نما بود که آقا شیخ هاشم، مجله می‌خواند! این، فرهنگ خیلی عجیبی است. ببینید یک قشر و یک جامعه، چه قدر از حوادث دنیا برکنار می‌ماند.» «... انقلاب، روحانیون را به میدان زندگی و آشنایی آورد. چه طور ممکن است شما مدافع قلعه‌ی باشید اسمتان این است که مدافع و بسته باشید و ندانید که پشت دیوار قلعه و پای خندق‌ها و در یک کیلومتری آن - تا چه رسد در پنج فرسخی آن - چه می‌گذرد! مگر می‌شود شما مدافع این قلعه باشید؟ وضع ما این طوری بود...»

«امروز نسبت به گذشته، از این جهت خیلی خوب شده است. این، تاثیر انقلاب بوده است. یک تاثیر انقلاب این بود که ما را وارد مسایل سیاسی و مسایل زندگی کرد، بینش‌های ما را باز کرد و روحانیت را به صورت مجموعه، وارد صحنه‌های گوناگون زندگی نمود.» [۱۱]

#### ۷،۸ - لزوم قدردانی از نعمت انقلاب

روحانیت، بیش از دیگر اقشار، می‌بایست قدر و ارج انقلاب را بدانند؛ حرمت آن را بشناسند؛ آن را نعمت الهی بدانند و در سپاس و شکر خداوندی، بیان و عمل خویش را به کار گیرند. روحانیت، بایستی انقلاب را ظهور امید مکنون هزار و چهار صد ساله‌ی شیعه بدانند؛ از این منظر به آن بنگرد و در پاسداری آن بکوشد.

#### ۷،۸،۱ - دیدگاه رهبری نظام

مقام معظم رهبری در سخن زیر، به روشنی این منظر را گشوده‌اند و نکات ارجمندی را بیان داشته‌اند:

«من گاهی این شک در ذهنم به وجود می‌آید که بعضی از ما معلمان، عمق عظمت تشکیل حکومتی بر اساس اسلام یعنی حکومت قرآن و احکام اسلامی و فقه آل محمد (علیهم‌الصلوة‌الله) را درست متوجه نشویم. تشکیل این حکومت، چیز بسیار عظیمی است. انسان وقتی در وسط ماجرابی است، عظمت آن را حس و درک نمی‌کند.

۷،۸،۱،۱ - حکومت اسلامی بعد از ۱۴۰۰ سال شما ملاحظه بفرمائید، بعد از سال ۴۱ یعنی سال صلح امام مجتبی (علیه‌السلام) تا دوران تشکیل نظام جمهوری اسلامی، یک روز، حکومتی بر پایه‌ی قرآن که شخص عادل هم در راس آن حکومت باشد، تشکیل نشده بود. این، شوخی است؟ یعنی امام صادق (علیه‌السلام) و امام باقر و امام موسی بن جعفر و ائمه‌ی بعد از حادثه‌ی عاشورا (علیهم‌الصلوة‌والسلام) بر طبق آنچه که انسان از مجموع حالات اینها به دست می‌آورد همت‌شان این بوده است که برای دوران نزدیک به زمان خودشان، یک نظام اسلامی به وجود بیاورند؛ حالا بعضی بالمباشره، بعضی هم بالتسبیب.

#### ۷،۸،۱،۲ - تشکیل حکومت ائمه (علیهم‌السلام)

در این زمینه روایاتی هم داریم. روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) است که خدای متعال، امر خلافت و ولایت الهی را، برای سال هفتاد معین کرده بود؛ اما «فلماً قتل الحسين اشتد غضب الله علی اهل الارض». این، عبارت حدیث است. بعد خدا آن را تا سال ۱۶۰، به تاخیر انداخت. ما به شما گفتیم و شما آن را افشا کردید، خدای متعال آن را به تاخیر انداخت... ائمه (علیهم‌السلام)، این طوری کار می‌کردند؛ یعنی حرکت برای تشکیل نظامی که بر اساس قرآن به وجود بیاید. از ائمه (علیهم‌السلام) که بگذریم، امامزاده‌ها - جناب زید بن علی، جناب حسین بن علی (شهید فخر)، جناب محمد بن عبدالله (صاحب نفس زکیه)، جناب ابراهیم بن عبدالله و دیگران - برای تشکیل یک حکومت عدل و یک حکومت علوی، تلاش می‌کردند....

#### ۷،۹ - نهضت برای حکومت

نهضت‌های صحیحی که تشکیل شده است، برای این به وجود می‌آید که بلکه بتوانند حکومتی تشکیل بدهند که این حکومت، بر پایه‌ی قرآن باشد. بر پایه‌ی قرآن، یعنی چه؟ یعنی اولاً، قوانین بر اساس حکم دینی باشد. ثانیاً، آن کسی هم که در راس حکومت قرار می‌گیرد، با معیارهای دینی برای حکومت، منطبق باشد. [۱۲]

#### ۷،۹،۱ - آرزوی تشکیل حکومت سید رضی

حکومت دینی، آرمان نهفته‌ی عالمان دین نیز بود. آنان در درون خویش، در سوز و گداز بودند و از انفصال شریعت و حکومت، در رنج به‌سر بردند و روزگار وصل مجدد آن دو را در دل پروراندند. من در حالت بعضی از علمای بزرگ دیده‌ام که آرزو و امید تشکیل حکومت، در آنها هم بوده است. از جمله، مرحوم سید رضی (رضوان‌الله تعالی علیه) است که از بعضی اشعار و منافسات او با خلیفه‌ی عباسی، این معنا به دست می‌آید. معلوم می‌شود که آن بزرگوار، آرزو و طموح حکومت و خلافت را داشته است. بعد هم خیلی زود در جوانی - سال ۴۰۶ - از دنیا می‌رود؛ یعنی تقریباً سی سال قبل از برادر بزرگش علم الهدی.

#### ۷،۹،۲ - آرزوی تشکیل حکومت ابن طاووس

همچنین ابن طاووس، چنین تفکری داشته است که من در یکی از کتاب‌های او دیده‌ام. البته الآن بعید العهدم، ولی احتمال می‌دهم که در «کشف الحجه» - از کتاب‌های نفیس ابن طاووس که برای پسرش نوشته است. - باشد. او، در این کتاب می‌نویسد که من از اخبار اهل بیت فهمیده‌ام که کسی از این خاندان - یعنی خاندان بنی هاشم - در دوران غیبت به حکومت می‌رسد و تشکیل حکومتی می‌دهد و من امیدوار بودم که او، من باشم. گویا آن بزرگوار، شرایطش را در خود جمع می‌دیده، که لابد در کسی مثل ابن طاووس هم جمع بوده است. [۱۳]

۷،۱۰ - انگیزه تشکیل حکومت سده‌ی اخیر که نهضت‌های اجتماعی در جوامع شیعی رخ نمود، عالمان دین حضور فعال داشتند و نقش هدایت و رهبری را بر عهده گرفتند. انگیزه‌ی این حضور، علاوه بر همگامی با دردها و مشکلات مردمی، این نکته نیز بود که حکومت، به شریعت نزدیک‌تر شود و مدیریت جامعه، با دیانت انطباق بیشتری بیابد. نزدیک به زمان خود ما، علمای بزرگی که مشروطیت را امضا کردند - مثل مرحوم آخوند خراسانی و آقا [شیخ عبدالله مازندرانی] و مرحوم آسید اسماعیل صدر و دیگران - حرف‌شان این بود که می‌گفتند: ما یک قدم به آنچه که به حکومت اسلامی نزدیک است، نزدیک‌تر می‌شویم. وقتی آن اصل را در متمم قانون اساسی دوران مشروطه گذاشتند، مرحوم شیخ فضل الله نوری و دیگران، به نظرشان می‌رسید که دیگر کار بسیار بزرگی کرده‌اند. واقعاً هم کار بزرگی بود. [۱۴]

۷،۱۱ - تطبیق شریعت و حکومت انقلاب اسلامی، به آن آمال تاریخی عینیت داد و در گستره‌ی غیرقابل انتظار، به تطبیق شریعت و حکومت پرداخت. اگر آرمان عالمان مشروطه خواه، آن بود که فقیهان منتخب، ناظر قوانین مجلس شورای ملی باشند - اصلی که جز در مجلس دوم، آن هم به گونه‌ی نیم‌بند اجرا نشد - در انقلاب اسلامی، علاوه بر تحقق آن اصل در قالب شورای نگهبان،

اهرم‌های دیگر نظارت شرعی نیز پیش‌بینی گردید؛ از جمله نظارت عام ولیّ فقیه بر تمامی دستگاه‌های اجرایی و حکومتی. این گام‌ها، گرچه اکنون آسان و ساده به نظر می‌رسد؛ اما مروری بر تاریخ تشیع، قدر و ارج آن را می‌نمایاند.

۷،۱۱،۱ - دیدگاه مقام معظم رهبری:

«شما آرزوهای هزار ساله و امیدهای انباشته را، با آنچه که در یک برهه از زمان و در یک فرصت رحمانی و در حال نفع‌یابی از نفعات ربوبی، به دست یک مرد الهی به وجود آمده است، مقایسه کنید. این، یک فرصت الهی بود و خدای متعال، اسباب آن را جمع آورد؛ حتی کسی مثل امام را برای این کار قرار داد. «و ان الله اذا اراد شیئاً هیأ له اسبابه.» [۱۵]

دریغ‌مندانه باید گفت که با تمامی این احوال، جمعی از روحانیون، این عظمت را ارج نمی‌نهند؛ به اندک بهانه‌ای، ره قهر و بی‌مهری در پیش می‌گیرند؛ پاره‌یی از نواقص را بزرگ می‌شمرند و گام‌های عظیم پیموده را نادیده می‌انگارند.

«حقیقت این است که بعضی از روحانیون، خودشان را جزو این انقلاب ندانستند. حقیقت این است که بعضی از روحانیون، بارهای سنگین مسئولیتی این انقلاب را تحمل نکردند. حتی بالاتر، حقیقت این است که بعضی از این روحانیون، حاضر نشدند حتی پیام انقلاب را بعد از پیروزی آن، باور کنند. چیزی که برای ملت‌های دنیا و ملت‌های مستضعف و برای بسیاری از ناظران جهانی قابل فهم بود، برای اینها قابل فهم نبود! بعضی‌ها بودند که عیب‌های کوچک را در نظام جمهوری اسلامی، عمده و بزرگ کردند.» [۱۶]

۷،۱۲ - رهایی مسئولیت‌های انقلابیان، بار سنگین مسئولیت‌های انقلاب را رها می‌کنند و متوقعانه از انقلاب، کارایی را تنها می‌دارند. خرده‌بینی و عیب‌جویی می‌کنند؛ گویا حکومت بی‌عیب و نقص را جست‌وجو می‌دارند و محدودیت و مشکلات حکومت در جامعه‌ی بشری را، به فراموشی می‌سپرند.

#### ۷،۱۲،۱ - منشاء رهایی مسئولیت

آیا این، ناشی از نفهمیدن آنچه که واقع شده است، نیست؟ آیا این، ناشی از عدم معرفت نعمت خدا نیست؟ یا خدای نکرده، ناشی از انکار نعمت خدا نیست؟ «يعرفون نعمة الله ثم ينكرونها». این، جفا به حرکت با این عظمت نیست؟ مگر وقتی حکومت درست و صحیح شد و موازین حکومت، موازین کاملی شد، در تمام سراسر این حکومت، همه‌ی کارها درست خواهد بود؟ چنین چیزی، از کجا ثابت شده است؟

#### ۷،۱۲،۲ - نمونه‌های تاریخی

۱) زمان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که مثال عدل و تقواست - دیگر شما کسی را می‌شناسید که اعدل و اتقی و اصدق فی احکام الله و اخشن فی ذات الله از امیرالمؤمنین باشد؟ - این حکامی که بر ولایات مسلط بودند و خود ایشان فرستاده بود، آیا همه‌ی

اینها، ابوذر و سلمان بودند؟ نه، چهار نفر مثل ابوذر و سلمان و عمار بودند؛ مابقی آدم‌های عوضی بودند. این تاریخ را بردارید نگاه کنید. یکی از استاندارهای امیرالمؤمنین، «زیاد بن ابیه» بود که بر منطقه‌ی وسیعی حاکم بود. بسیاری از این قبیل، در اطراف و اکناف بلاد اسلامی بودند.

۲) امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)، سردار بزرگ جنگش، «عبیدالله بن عباس» بود. که می‌دانید شبانه رفت و با معاویه - که آن طرف بود - مذاکره کرد، از او پول گرفت و لشکرگاه خودش را ترک کرد و به دشمن، پناهنده شد... شب خوابیدند، صبح بلند شدند، دیدند از خمیه بیرون نمی‌آید. یک ساعت، دو ساعت، معطل ماندند. بعد داخل خمیه رفتند، دیدند که نیست. دقت کردند، دیدند که آن طرف خمیه، شکافته شده است. بعد قضیه روشن شد. در راس کار، چه کسی بود؟ امام حسن مجتبی (علیه‌السلام). ۷، ۱۲، ۳ - نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «تا در گوشه‌ی بی، مختصر نابسامانی بی - به عقیده و سلیقه‌ی کسی - پیدا می‌شود، ریش بجنباند و بنا به اعتراض و اشکال و یاوه‌گویی کند. تا در اداره‌ی بی، برایش مشکلی پیدا شد و یک مامور دولتی، به او چپ نگاه کرد، یاوه بسراید که حالا هم مثل زمان فلان است!» این، چه توقع بی‌جایی است که اگر رئیسی، مرئوسی، چند نفر اداری بی، قاضی بی و مسئول بخش خاصی از تشکیلات حکومت اسلامی، پایش را کج بگذارد، آن آقای بی که با او مواجه می‌شود، فوراً شروع به اهانت به اصل نظام اسلامی و اصل جمهوری اسلامی و اصل حکومت اسلامی می‌کند!» [۱۷]

### ۷، ۱۳ - افراد یاوه‌گو قبل و بعد از انقلاب

متأسفانه، این نقرزدن‌ها و یاوه‌سرای‌ها، از کسانی است که در دوره‌ی حکومت ظلم و وحشت، نای سخن گفتن نداشتند و آرام و ساکت، از کنار هزاران مظالم می‌گذشتند و آیات تقیه و سکوت تلاوت می‌فرمودند! جز مدرسه و منزل و محراب، مسئولیتی برای خویش نمی‌شناختند؛ دخالت در سیاست را منقصد می‌دیدند؛ کلام دنیا را عیب می‌شمردند؛ حکومت را به قیصران و می‌نهادند و خود، ره تسلیم و رضا پیش می‌گرفتند. حتی در شرایطی که یا تهدید بود و یا تطمیع، مختصر عنایت به رژیم پیشین را چندان بد نمی‌یافتند! با هزاران دلیل و توجیه، تسلیم و کرنش را تایید می‌کردند و آن را وظیفه‌ی عقلی و شرعی خویش قلمداد نمودند.

### ۷، ۱۳، ۱ - دیدگاه رهبر معظم انقلاب:

«آدم‌های راحت طلبی که هیچ وقت، تن به هیچ زحمتی ندادند؛ در راه خدا، یک سیلی نخوردند؛ برای خاطر خدا و برای خاطر علم و روحانیت، یک سخن درشت تحمل نکردند. این دل‌های مریض، باز هم در گوشه و کنار پیدا می‌شوند که علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و مسئولان آن، باز هم بنا به فتنه‌انگیزی کنند... آنها بی که با دستگاه پروپاقرص طاغوت ساختند و در مقابلش دم زدند و لب باز نکردند، امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی - که بالاخره هر چه هست، نقص دارد - به قضا و مالیات و دستگاه‌های دولتی و اداریش، مرتب نیش می‌زنند. گفت: «اسد علیّ و فی الحروب نعامة». با دشمنان خدا، آن طور نرم و آرام بودند؛ با بندگان خدا - که امروز ماها هیچ ادعایی هم نداریم - این طور رفتار می‌کنند! من رئیس جمهور؛ اما والله علی العظیم، خودم را از آحاد طلبه‌ها، یک ذره بالاتر نمی‌دانم و

نیستم. این بار را روی دوش من گذاشتند؛ دارم جان می‌کنم، این بار را به منزل برسانم و تحویل یکی دیگر بدهم. ماها ادعایی نداریم. چه موقع گفتیم که بیایید، ما را در راس این مقام بگذارید؟

### ۷،۱۳،۱ - به فکر انجام وظیفه باشیم

آن روزی که ما مبارزه می‌کردیم، فکر نمی‌کردیم که کمترین شهرت و افتخار و معروفیتی، از قبل آن حرف‌ها، برایمان پیدا بشود. داشتیم کاری می‌کردیم و دنبال فکری بودیم. حالا خدای متعال، این طور پیش آورده و روی دوش ما، مسئولیت گذاشته است. طبیعی است که اگر باز به حوزه خدمت می‌کردم، برایم خیلی راحت‌تر و بهتر بود... یک گوشه‌ی کار که اشکال پیدا می‌شود، فوراً زبان این یاوه‌گویان و هرزه‌سرایان باز می‌شود. همان زبان‌هایی که سال‌های درازی، در مقابل ظلم مجسم بسته بود، امروز در مقابل عدل اسلامی باز است! [۱۸]

### ۷،۱۴ - وظایف حوزه در قبال انقلاب

حوزه، نبایستی مسئولیت خود را در برابر انقلاب، پایان یافته احساس کند؛ نقش خویش را تمام یافته بینگارد و یا ادامه‌ی راه را، تنها بر عهده‌ی عده‌ای معدود از جمع خویش وانهد. حوزه، بایستی باور کند که در تداوم انقلاب، نقشی مضاعف دارد و بقای انقلاب، به تعهد و پشتکاری چونان تلاش در راه حدوث و تکوین آن، نیازمند است و کناره‌گیری حوزه از انقلاب، به انحراف و بیراهه روی آن می‌انجامد.

### ۷،۱۴،۱ - دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

مقام معظم رهبری در زمینه تداوم مسئولیت حوزه در قبال انقلاب چنین فرموده‌اند:

«بنابراین، روحانیت به خاطر انقلاب، در مقابل این ملت سرفراز است. اما قضیه به اینجا خاتمه پیدا نمی‌کند؛ یعنی صرف پرونده‌ی خوب از انقلاب، کافی نیست. انقلاب، یک امر دفعی نیست؛ یک امر تدریجی است. هم حدوثش تدریجی است و هم بقایش - مثل بقای همه چیز - تدریجی است. انقلاب، آن وقتی باقی می‌ماند که یک حرکت دایم انقلابی، مستمراً وجود داشته باشد؛ والا آن چیزی که می‌ماند، انقلاب نیست. شما ببینید، در دنیا چه قدر کشور انقلاب کرده‌اند. از اینهایی که انقلاب کرده‌اند، چند کشور در همان خطی که انقلاب کرده‌اند و همان اصولی که اعلام نموده‌اند و همان شعارهایی که فریاد زده‌اند، باقی مانده‌اند؟ خواهید دید، تعداد کشورهایی که باقی مانده‌اند، قابل توجه نیست. علت این است که حرکت و کار و تلاش انقلابی، لازمه‌ی حیات انقلاب است. اگر نباشد، حیات انقلاب باقی نخواهد بود. این، چیز حتمی و قهری است. ۷،۱۴،۲ - تداوم انقلاب و روحانیت‌گر تداوم انقلاب، به این تلاش انقلابی بستگی دارد، بخش عمده‌ی بی‌تلاش انقلابی و اسلامی، بر دوش همان کسانی است که از اول هم حرکت انقلابی اسلامی را شروع کردند؛ یعنی علمای اسلام.» [۱۹]

روحانیت، بایستی با تمام وجود دریابد که ادامه‌ی مسیر، چون آغازین راه، با سختی و دشواری همراه است؛ محرومیت و حرمان می‌طلبد؛ دوری از فراغت را می‌خواهد؛ فراق اهل و خانمان را بر می‌تابد؛ زخم زبان و طعن طاعنان را به دنبال دارد؛ جراحات‌ها و شهادت‌ها را با خویش به همراه می‌آورد و در یک کلام، همچنان ایثار و فداکاری را از حوزه مطالبه می‌کند.

## ۷,۱۴,۲,۱ - نظر مقام معظم رهبری:

«اگر بخواهیم به وظایف، درست عمل کنیم، پیمودن راه از حالا به بعد، یقیناً آسان‌تر از راه گذشته‌ی ما نیست؛ راه دشواری است. از حالا به بعد، مساله، مساله‌ی حفظ ارزش هاست؛ جا انداختن اینها در ذهنیت ملل دنیاست؛ حراست از آنها در داخل جامعه‌ی اسلامی است. این، با زبان ممکن نیست؛ با عمل و تلاش و فداکاری و امید و آمادگی و علم و تقوا ممکن است. اگر در این مرحله‌ی از حالا به بعد، روحانیونی که متصدی و کمر بسته‌ی گسترش این تفکر الهی در سطح ذهنیت عالم هستند، دارای این خصوصیات باشند، این فکر پیش خواهد رفت. اگر خدای نکرده، روحانیون خسته و ملول و نومید و دل‌بسته شدند، از راحتی و آسودگی خشنود شدند، به آن عادت کردند، از خطر و سختی گریزان شدند، بار بر زمین خواهد ماند و این فکر، پیش نخواهد رفت.» [۲۰]

۷,۱۵ - مسئولیت‌های انقلابی حوزه، در اینجا به برخی مسئولیت‌های انقلابی حوزه، اشاراتی کوتاه انجام می‌یابد.

## ۷,۱۵,۱ - انقلابی ماندن روحانیت،

بایستی حرمت امام و انقلاب را در درون خود پاس دارد؛ ذکر نعمت کند و حق آن را ایفا نماید؛ شعائر انقلاب را رعایت کند و چهره‌ی «حوزه‌ای انقلابی» را به ناظران نشان دهد. و در یک کلام، رنگ و بوی انقلاب، از در و دیوار حوزه نمایان باشد.

## ۷,۱۴,۲,۱ - نظر مقام معظم رهبری

همانگونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

«در حوزه علمیه‌ی قم و حوزه‌های دیگر، بایستی حق انقلاب و امام بر حوزه‌ها، فراموش نشود. انقلاب و امام (رضوان الله تعالی علیه) حقیقتاً بر حوزه‌های علمیه‌ی ما، حق حیات دارند. اگر این انقلاب و این حرکت عظیم نبود، آن مشیی که دستگاه‌های ضددینی پیش گرفته بودند، حوزه‌ها را پوک می‌کرد و از بین می‌برد و به تدریج، حتی عین حوزه‌ها را هم زایل می‌کرد. بعد از آن که معنایش را به کلی زایل کرده بود، به این جهت و به این سمت، پیش می‌رفت. واقعاً گرایش به طلبه شدن، کم بود. واقعاً در ارزش‌گذاری‌های جامعه، ارزش حوزه، ارزش نزدیک به صفر بود. این طور، حرکت و عمل می‌کردند. این انقلاب و امام بزرگوار، حوزه را احیا کردند و در دنیا و در جامعه، به آن آبرو بخشیدند و شخصیت دادند و ناصیه‌اش را بلند و منور کردند.» [۲۱]

## ۷,۱۵,۲ - دفاع از امام و انقلاب

حوزه، نباید میدان جولان افراد بدخواه و کینه‌توز با انقلاب باشد. نباید چونان گذشته‌ی نه چندان دور، انقلابی بودن، گناه نابخشودنی به حساب آید و طعنه زنان به مبارزه و جهاد، صدر نشین و معرکه گردان گردند. بر فرزندان انقلاب در حوزه است که در برابر موج‌هایی که برخاسته‌اند، تا دوباره حوزه را به ایام سکوت و انزوا باز گردانند، مقاومت نشان دهند؛ امواج مهاجم را درهم شکنند و از «حوزه‌ی امام و انقلاب» دفاع کنند. «طلبه‌های جوان، فضایل عزیز، مدرسان محترم و علمای حوزه! امروز، این حوزه‌ی انقلابی و آگاه، امانتی در دست شماست؛ آن را از شرّ این کفتارهای لاشه‌خواری که نشست‌اند، تالاشه‌ی پیدا بشود و آن را بدرند، نجاتش بدهید. باید حفظش کنید و

نباید اجازه بدهید که در حوزه‌های علمیه، به مقدمات انقلاب، با اهانت اشاره بشود... حوزه را انقلابی حفظ کنید و انقلاب را در حوزه گرامی بدارید. حضور انقلابی، احساسات انقلابی، درک انقلابی و سیاست انقلابی، سیاست اصلی حوزه علمیه است.» [۲۲]

### ۷،۱۵،۳ - توجه به خطر انقلاب زدایی از حوزه

انقلاب زدایی در حوزه‌ها، یکبارہ عمل نمی‌کند، گام به گام پیش می‌رود؛ فعالیت‌های انقلابی حوزویان را، به تردید و انکار می‌سپرد؛ از روحانیت، تقسیم بندی‌های ویژه ارایه می‌کند؛ روحانیت دولتی و غیر دولتی، درست می‌کند. به روحانیون شیفته‌ی انقلاب و نظام، مارک آخوند دولتی و درباری می‌زند؛ محور حوزه را، روی روحانیون غیر دولتی - به تعبیر خود ساخته - می‌برد. استقلال حوزه را، به معنای بی‌اعتنایی حوزه به انقلاب و نظام تفسیر می‌کند و به آن، اصالت و ارزش می‌دهد؛ از چهره‌های ضد انقلاب حوزه، اعاده‌ی حیثیت می‌کند و به آن نقش محوری می‌دهد؛ در گوشه و کنار، میدان حضور پیدا می‌کند و در تضعیف اعتقاد حوزویان به مبانی انقلاب، تلاش می‌ورزد و...» [۲۱، ۷، ۱۵، ۳] - از منظر رهبر انقلاب در برابر این موج تدریجی، رهبری معظم انقلاب فرموده‌اند: «طلاب جوان و فضلا و تشکیلات حوزه، به افراد بدخواه در داخل حوزه‌ها، میدان ندهند. اینها، افرادی بودند که جرات نمی‌کردند از سیطره و هیبت انقلاب، نفس بکشند. طوری نشود که در گوشه و کنار پیدا بشوند و مثل موریانه‌ی، به پایه‌ی ایمان افراد بیفتند و آنها را نسبت به انقلاب و اسلام انقلابی و مبانی انقلاب، ضعیف و سست کنند.» [۲۳]

### ۷،۱۵،۴ - اطلاع از امواج جهانی حوزه

بایستی از امواج جهانی علیه انقلاب مطلع باشد؛ از تحركات كفر عالم گیر علیه انقلاب - که امروز با تبلیغات علیه اسلام و تشیع آمیخته است - آگاهی بیابد؛ صدها و بلکه هزاران کتاب و مقاله نوشته شده در مورد انقلاب و اسلام را بررسی کند. محورهای مورد عنایت و تهاجم آنها را دریابد و در پژوهشکده‌های خویش، به آن موضوعات توجه خاص مبذول کند، بررسی‌های تحقیقی و عالمانه انجام دهد و با بیان و شیوه‌ای مناسب، عرضه کند.

### ۷،۱۵،۴،۱ - نظر آیت‌الله خامنه‌ای:

«یکی از کارهایی که حوزه باید انجام بدهد، همین است. یعنی مرکزی داشته باشد و کتاب‌هایی را که در دنیا راجع به انقلاب نوشته‌اند، جمع کند؛ چه آنهایی که مستقیماً درباره‌ی انقلاب است و چه آنهایی که به خاطر انقلاب، به شیعه و یا به اسلام فحش داده‌اند و چه کتاب‌هایی که از ما تعریف کرده‌اند و نقاط قوت ما را - که بعضاً خودمان هم از آنها غافل بوده‌ایم - یادآور شده‌اند.»

(سخنرانی در دیدار نمایندگان و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم) [۲۴]

### ۷،۱۵،۵ - تدوین ایدئولوژی حوزه

بایستی به تدوین ایدئولوژی انقلاب همت گمارد؛ مبانی و اصول آن را برشمرد؛ به تفسیر و تعریف آن پردازد؛ حق ایدئولوگ بودن خود را ادا کند؛ بیانی شایسته و روشن، تفسیری دقیق و عالمانه و منطبق بر واقعیت، از هست‌ها و بایدهای انقلاب اسلامی ارایه کند. از



هویت انقلاب در برابر امواج تبلیغات، ابهام زدایی نماید؛ به دوستان انقلاب ایران در سراسر گیتی، مجموعه‌ی مدوّن و متقن را عرضه کند؛ بر ایمان و آگاهی ایشان در مورد انقلاب اسلامی ایران بیفزاید و به آنان در برابر مخالفان و منتقدان، ابزار پاسخ منطقی عطا کند.

#### ۷,۱۵,۵,۱ - توصیه‌های رهبری در این زمینه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چنین توصیه می‌فرماید:

«در این مرکز، محققان حوزه باید مشابه این کتاب‌ها را نیز در داخل کشور جمع‌آوری کنند و مورد بررسی قرار دهند. وقتی که محقق می‌گوییم، فوراً ذهن به سمت پیرمردهای از کار افتاده نرود. محققان جوان - مثل خود شما - بنشینند، اینها را تقسیم‌بندی کنند و تفکر و ذهنیت انقلاب و به تعبیر اروپایی آن، ایدئولوژی انقلاب را - که متاسفانه هنوز معادل فارسی آن را پیدا نکرده‌ایم - تدوین کنند و آن را - نه در یک جلد کتاب و نه با یک بیان - بیرون بدهند که اگر از ما پرسیدند، انقلابتان چیست؟ بگوییم، این است. اگر شما چنین کاری نکردید، دیگرانی که غالباً صلاحیت ندارند، خواهند کرد.» (سخنرانی در دیدار نمایندگان و طلاب حوزه‌ی علمی‌ی قم) [۲۵]

#### ۷,۱۵,۶ - تکریم چهره‌های انقلابی

حرمت انقلاب در حوزه، به تکریم چهره‌های ایثارگر و زجر کشیده‌ی حوزه در انقلاب است. اینان نباید در گذر زمان، مغفول واقع شوند و احیاناً مطرود! حوزه، باید قدر و ارج زحمات‌شان را بشناسد و در تجلیل آنان بکوشد؛ طعن و طنز به ایشان را برنتابد و با تمام توان، در راه مشکل زدایی از آنان تلاش نماید.

۷,۱۵,۶,۱ - دیدگاه رهبر انقلاب:

«در حوزه‌ها، چهره‌های انقلابی باید محترم باشند. طلبه‌های جبهه رفته، کسانی که سوابق جبهه دارند، کسانی که جانباز هستند، ... کسانی که خدمتی از خدمات انقلاب را بر دوش دارند، با ارزشند. این طور نباشد که در داخل حوزه‌ها، اگر کسی چند سالی به خدمات انقلاب مشغول بود، یا الآن مشغول است، یک نقطه‌ی ضعف به حساب بیاید. نه، این نقطه‌ی قوت است. بایستی برای کسانی که در میدان جنگ بودند، از همه جهت - اعتباراً و عملاً - ارزش قایل بشوند و برایشان حسابی باز کنند.» [۲۶]

#### ۷,۱۵,۷ - پاسداری از انقلاب اسلامی

ایثارگران حوزه، بایستی بار سنگین انقلابی ماندن حوزه را بر دوش کشند و از کین انقلاب در حوزه، دفاع کنند. جانبازان، رزمندگان و آزادگان روحانی که خود، جان و عمر خویش را در راه امام و انقلاب وقف کرده‌اند، امروز بایستی از همه‌ی آن جان نثاری‌ها و بذل فرصت‌ها، محافظت کنند و از تعهد حوزه نسبت به امام و انقلاب، پاسداری نمایند. نسل بسیجی حوزه، باید پرچمدار حوزه‌ی انقلابی باشد، تعهدات حوزه در برابر انقلاب را یادآور شوند و زمینه‌های تحقق آن را بیافرینند. ۷,۱۵,۷,۱ - دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه چنین فرموده‌اند: «تصورم این است که در بین این مجموعه، شما طلاب و اهل علم زجر کشیده‌ی دوران اسارت که امتحان این دوران و دوران مجاهدت را داده‌اید، می‌توانید نقش بسیار بزرگی داشته باشید؛ همچنین همه‌ی طلاب رزمنده،

همه‌ی اهل علمی که میدان جنگ را با گوشت و پوست خودشان لمس کردند... لذا من به این مجموعه‌ی شما، به چشم امید نگاه می‌کنم. هر یک از شما عزیزان، باید همت‌تان این باشد که از ذخیره‌ی ارزشمندی که در این دو میدان به دست آورده‌اید، در راه پیشبرد انقلاب به سمت اهداف عالی و گسترش این فکر در سطح عالم و تعمیق آن در داخل جامعه، استفاده کنید... وقتی مساله‌ی حرکت از یک راه دشوار و صعود به یک کوه مطرح است، انسان به همه می‌گوید که این طوری بروید، تا به آن بالا برسید و اگر رسیدید، چه فضایی دارد. اما آن کسی که مدت‌ها دوندگی کرده، کوهنوردی کرده، بدنسازی کرده، به او امید بیشتری است. او، شما را یاری می‌دهد. این اسارت و این مجاهدت و مبارزه در میدان جنگ، خیلی ارزش دارد. از این ذخیره، باید استفاده کنید.» [۲۷]

### - پانویس نوشتار :

۱. رجوع شود به زندگی نامه شیخ طوسی، تألیف علامه محقق شیخ آغا بزرگ تهرانی، ترجمه میرزا محمد و طبیبان، ص ۸، ۲ ↑ رجوع شود به مقاله آفاق فکری برون حوزه‌ای، نوشته محمد رضا حکیمی در مجله حوزه، شماره ۱، ص ۳، ۳۳ ↑ تحف العقول، ص ۲۶۱، ۴ ↑ رجوع شود به گنجینه دانشمندان، تألیف محمد شریف رازی، ج ۱، ص ۳۲، ۵ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون استان مازندران، ۱۳۶۳، ۶/۲/۱۷ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون استان مازندران، ۱۳۶۳، ۷/۲/۱۷ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون استان مازندران، ۱۳۷۲، ۸/۲/۱۸ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون کاشان، ۱۳۶۶، ۹/۹/۳ ↑ ر.ک: حدیث ولایت (مجموعه‌ی رهنمودهای مقام معظم رهبری) ج ۱، چاپ دوم، ص ۱۲۹، ۱۰/۴/۴، ۱۳۶۸ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون نوشهر، ۱۳۷۲، ۱۱/۲/۱۸، ۱۳۷۲ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون نوشهر، ۱۳۷۲، ۱۲/۲/۱۸، ۱۳۷۲ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲، ۱۳/۵/۵، ۱۳۷۲ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲، ۱۴/۵/۵، ۱۳۷۲ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲، ۱۶/۵/۵، ۱۳۷۲ ↑ سخنرانی در جمع طلاب علوم دینی، در مدرسه‌ی فیضیه، ۱۳۶۳، ۱۷/۲/۲۷، ۱۳۶۳ ↑ سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲، ۱۸/۵/۵، ۱۳۷۲ ↑ سخنرانی در جمع فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، ۱۳۶۴، ۱۹/۶/۱۱، ۱۳۶۴ ↑ سخنرانی در جمع علما و روحانیون استان مازندران، ۱۳۶۳، ۲۰/۲/۱۷، ۱۳۶۳ ↑ سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده، ۱۳۶۹، ۲۱/۸/۵، ۱۳۶۹ ↑ سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۱، ۲۲/۶/۲۹، ۱۳۷۱ ↑ سخنرانی در جمع فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، ۱۳۶۴، ۲۳/۶/۱۱، ۱۳۶۴ ↑ سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۱، ۲۴/۶/۲۹، ۱۳۷۱ ↑ ر.ک: حدیث ولایت (مجموعه‌ی رهنمودهای مقام معظم رهبری) ج ۳، ص ۳۹، ۲۵/۹/۷، ۱۳۶۸ ↑ ر.ک: حدیث ولایت (مجموعه‌ی رهنمودهای مقام معظم رهبری) ج ۳، ص ۳۹، ۲۶/۹/۷، ۱۳۶۸ ↑ سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۱، ۲۷/۶/۲۹، ۱۳۷۱ ↑ سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده، ۱۳۶۹، ۹/۸/۵ -

برگرفته از مقاله «نقش حوزه علمیه در پیشبرد آرمان‌های اسلام و انقلاب»، (با تأکید بر فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی)، سایت اندیشه قم،

وما توفيقى الا بالله العلى العظيم

تهيه و تدوين : اصغر اخوى

مدیر مرکز مشاوره جامعه الزهرا(س)

بهمن ۱۴۰۳

چهلمین سال تاسیس جامعه الزهرا